

من اهمیت زیادی داشت، چون فکر می‌کنم تأثیرگذاری یک اثر دقیقاً در همین تعادل نهفته است.

○ در این نمایش، تقابل دو نسل کاملاً پررنگ است. این تضاد دغدغه اصلی شما بود یا نتیجه طبیعی داستان؟

به نظرم هر نسلی جهان را از زاویه تجربه‌های خودش می‌بیند و همین تفاوت نگاه، به‌طور طبیعی باعث اصطکاک می‌شود. آنچه برای من اهمیت داشت این بود که هیچ‌یک از نسل‌ها را قضاوت نکنم. نه نسل گذشته را مقصر مطلق بدانم و نه نسل امروز را کاملاً محق. هر دو دلالیل، دغدغه‌ها و تجربه‌های خودشان را دارند. نمایش تلاش می‌کند این تفاوت دیدگاه را نشان دهد و مخاطب را دعوت کند هر دو طرف را بشنود. اگر این گفت‌وگو میان نسل‌ها شکل بگیرد، احساس می‌کنم نمایش به هدف خود رسیده است.

○ همراهان مهمین ترابی پس از ۲۳ سال به صحنه تئاتر بازگشته. حضور وی چه تأثیری بر شخصیت نمایش داشت؟

وقتی حضور خانم مهمین ترابی قطعی شد، طبیعتاً شخصیت هم ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. هر بازیگر جهان خودش را وارد نقش می‌کند و ایشان نیز با تجربه، آرامش و نوع حضورشان، ظرفیت‌های تازه‌ای به شخصیت اضافه کردند. البته تلاش من این بود که شخصیت وابسته به بازیگر نباشد، بلکه بازیگر به آن جان ببخشد. بازگشت ایشان به صحنه تئاتر اتفاق مهمی برای مخاطبان بود و خوشحالم که این همکاری شکل گرفت.

○ مخاطب ابتدا تصور می‌کند بایک کمدی اجتماعی روبه‌روست، اما به تدریج با لایه‌های دیگری مواجه می‌شود. نگران این تغییر لحن نبودید؟

برعکس؛ فکر می‌کنم غافلگیر شدن مخاطب یکی از جذابیت‌های تئاتر است. البته غافلگیری نباید به معنای فریب دادن تماشاگر باشد، بلکه باید آفاق نگاه او را گسترش دهد. اگر مخاطب از همان ابتدا بداند تا پایان دقیقاً چه اتفاقی قرار است رخ دهد، بخشی از جذابیت نمایش از بین می‌رود. تلاش کردم این تغییر لحن آن قدر طبیعی باشد که مخاطب احساس نکند وارد نمایش دیگری شده است. تمام لایه‌های تازه از دل همان موقعیت‌های ابتدایی شکل می‌گیرند.

○ خانه در این نمایش فقط یک ملک نیست و به یک استعاره تبدیل می‌شود. این خانه نماد خانواده است یا جامعه؟

به نظرم هر دو. در ظاهر درباره یک خانه صحبت می‌کنیم، اما خانه همیشه فراتر از دیوار و سقف است. خانه محل زندگی خاطره، هویت، گذشته و روابط انسانی است. برای همین دوست داشتم این استعاره تک‌معنا نباشد. ممکن است یک مخاطب آن را نماد خانواده ببیند، دیگری نماد جامعه و حتی فردی آن را بخشی از هویت جمعی ما تعبیر کند. این آزادی در برداشت برای من ارزشمند بود.

○ وقتی مسائل اجتماعی و سیاسی بازیان طنز روایت می‌شوند، این خطر وجود دارد که مخاطب فقط بخندد و از کنار مسئله عبور کند. این نگرانی را داشتید؟

بله، اما معتقدم اگر طنز درست استفاده شود، حتی از شعار هم ماندگارتر عمل می‌کند. خنده می‌تواند پلی باشد برای نزدیک شدن مخاطب به موضوعات دشوار. به همین دلیل تلاش کردیم شوخی‌ها صرفاً برای خندانیدن نباشند، بلکه از دل شخصیت‌ها و موقعیت‌ها شکل بگیرند. اگر تماشاگر بعد از خروج از سالن، علاوه بر خنده، درباره نمایش هم فکر کند، احساس می‌کنم طنز وظیفه خودش را انجام داده است.

○ استقبال از نمایش را بیشتر نتیجه حضور بازیگران شناخته‌شده می‌دانید یا کیفیت خود اثر؟

بدون تردید حضور بازیگران شناخته‌شده در جلب توجه اولیه مخاطب مؤثر است. اما نمی‌توان این موضوع را انکار کرد. ادامه پیدا کردن استقبال فقط با انکابه نام بازیگران ممکن نیست. اگر مخاطب از سالن راضی بیرون نیاید، هیچ نمایشی دوام نخواهد داشت. به نظرم موفقیت یک اجرا حاصل ترکیب هر دو عامل است؛ هم حضور بازیگران حرفه‌ای و هم کیفیت متن. کارگردانی و بازخورد مثبت تماشاگرانی که نمایش را به دیگران معرفی می‌کنند.

○ این روزها که تئاتر برای ادامه حیاتش با مشکلات فراوان روبه‌روست، آیا عنوان «برای فروش» فقط به داستان نمایش اشاره دارد یا ناخواسته به وضعیت امروز تئاتر هم نزدیک شده است؟

زمانی که این عنوان انتخاب شد، بیشتر به جهان خود نمایش فکر می‌کردیم، اما



گفت‌وگو
با عوامل
نمایش «برای
فروش»



علی تصدیقی
کارگردان:

«برای فروش»؛ کمدی‌ای که از
خنده عبور می‌کند

کارگردان نمایش «برای فروش» معتقد است کمدی زمانی ارزشمند است که پهنه‌ای برای اندیشیدن باشد، نه صرفاً خندیدن. علی تصدیقی در گفت‌وگو با صبا از شکل‌گیری جهان میان رئالیسم و فانتزی این نمایش، همکاری با چند نسل از بازیگران تئاتر و دغدغه‌های مسائل اجتماعی با بازی طنز می‌گوید و تأکید می‌کند مأموریت تئاتر پس از پایان اجرا تازه آغاز می‌شود.

○ نمایش «برای فروش» از یک موقعیت کاملاً رئالیستی آغاز می‌شود، اما به تدریج وارد فضایی مرموز و نامتعارف می‌شود. چگونه میان کمدی، واقعیت و تعلیق تعادل برقرار کردید؟

به اعتقاد من برای اینکه مخاطب وارد جهان نمایش شود، ابتدا باید آن جهان را باور کند. اگر تماشاگر شخصیت‌ها، روابط و موقعیت‌های ابتدایی را واقعی نداند، ورود به فضای فانتزی و نامتعارف نمایش هم برایش قابل قبول نخواهد بود. به همین دلیل تلاش کردم شروع نمایش کاملاً بر روابط انسانی و موقعیت‌های روزمره استوار باشد. از همان نقطه، جهان متفاوت نمایش به آرامی و به شکل طبیعی شکل می‌گیرد؛ از مشکلات ساختمان گرفته تا حضور روح تیمسار. برای من مهم بود که این تغییر، شبیه یک شوک ناگهانی نباشد، بلکه ادامه منطقی همان جهانی باشد که مخاطب از ابتدا با آن ارتباط برقرار کرده است. از سوی دیگر، کمدی در این نمایش هدف نهایی نیست، بلکه ابزاری است برای نزدیک‌تر شدن تماشاگر به شخصیت‌ها. تلاش کردیم خنده هرگز تعلیق را از بین نبرد و تعلیق نیز مانع شوخ‌طبعی نشود. اگر این تعادل شکل گرفته، حاصل اعتماد به متن و توانایی بازیگران است.

○ متن سه‌پند خیرآبادی میان کمدی و لایه‌های اجتماعی حرکت می‌کند. هنگام کارگردانی، بیشتر نگران غلبه کمدی بودید یا تلخی؟

همیشه معتقدم اگر کمدی فقط برای خندانند باشد، خیلی زود فراموش می‌شود و اگر تلخی بیش از حد بر اثر حاکم شود، مخاطب را از خود دور می‌کند. به همین دلیل سعی کردم هر دو عنصر در کنار هم حضور داشته باشند. نمایش در ابتدا با فضایی کمیک آغاز می‌شود، اما به تدریج لایه‌های عمیق‌تر متن آشکار می‌شوند تا در پایان، مخاطب با حرف اصلی نمایش روبه‌رو شود. این مسیر برای

روایتی از خانه‌ای که آئینه جامعه است

نمایش «برای فروش» به نویسندگی سه‌پند خیرآبادی و کارگردانی علی تصدیقی این روزها در بلک‌باکس پردیس تئاتر شهرزاد

سروین دهقان
گفت‌وگو



روی صحنه است؛ نمایشی که با تلفیق طنز، نقد اجتماعی و لایه‌های نمادین، از دل یک موقعیت به ظاهر ساده، مخاطب را با پرسش‌هایی درباره جامعه، روابط انسانی و انتخاب‌های امروز روبه‌رو می‌کند. علی تصدیقی، محمد معتضدی و مه‌پد فناعت‌پیشه در گفت‌وگو با صبا از شکل‌گیری این پروژه، تجربه همکاری با یکدیگر، فرم اجرایی اثر و مواجهه تماشاگران با نمایشی گفتند که خنده را به تأمل بدل می‌کند.

